

بررسی و تحلیل عوامل تأثیرگذار بر پیدایش کودکان کار

محمد نوری زاده

کارشناسی علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور واحد زاهد شهر

چکیده

کمبود کار مناسب و درآمد کافی، تأمین نبودن خانواده، عدم رفتار مناسب و صحیح بین والدین و کودکان، سوء استفاده و ... سیلی از کودکان را در خیابان‌ها رها نموده است که به این کودکان، کودکان کار می‌گویند. اگرچه آمار دقیق از تعداد این قبیل کودکان در دسترس نیست، اما وجود بیش از صد میلیون کودک کار در جهان ضرورت طرح این پژوهش را روشن می‌سازد. در مقاله فعلی ما سعی می‌کنیم تا حد امکان به بررسی شرایط زندگی کودکان کار بپردازیم. در ابتدا پس از تعریف کودکان کار، به عوامل مؤثر در پیدایش این پدیده ناهنجار اجتماعی می‌پردازیم، که این عوامل از منظر محققان اجتماعی به چند دسته از قبیل شرایط اجتماعی نامطلوب، مشکلات اقتصادی، و تأثیرات محیطی و خانوادگی تقسیم می‌شود. در اینجا ما قصد خطراتی که کودکان کار با آن مواجه هستند را به‌عنوان یک معضل اجتماعی مورد بررسی قرار دهیم، به‌طور کلی این خطرات، به دودسته خطرات جسمانی و روانی و خطر سوء استفاده جنسی و استثمار تقسیم می‌شود. در ادامه ما سعی می‌کنیم به مسئله سازماندهی کودکان کار نیز بپردازیم، و با الهام گرفتن از ایده‌های موجود در این زمینه پیشنهادهایی برای رفع این معضل اجتماعی مطرح کنیم.

واژگان کلیدی: کودکان کار، بحران جمعیت، معضل اجتماعی، جهان سوم.

مقدمه

کودکان همواره نیروی کار ارزان به شمار می‌روند و دستان کوچک بسیاری از آنان با سختیهای کار آشناست. فشار فقر و تنگدستی باعث شده است برخی خانواده‌ها، برای تامین مخارج زندگی، کودکان خود را وادار به کار کنند. کار کردن کودکان مسئله‌ای است که از دیرباز در تمام جوامع بشری وجود داشته و از جنبه‌های مختلفی به آن نگاه می‌شود. زمانی که کودک برای کار از خانه بیرون می‌رود، هیچ تضمینی برای حفظ او از آسیب‌های اجتماعی وجود ندارد و زندگی وی در این حالت، دستخوش تغییرات زیادی می‌شود. این روند فرصت تحصیل، آموزش و بازی را از کودکان گرفته و باعث از بین رفتن خلاقیت آن‌ها شده و در نتیجه آسیب‌های جدی جسمی و روانی به همراه می‌آورد.

امروزه یکی از مسائلی که گریبان‌گیر اکثر کشورهای جهان به‌ویژه جهان سوم شده مسئله بحران جمعیت می‌باشد، مسلماً کشور ما هم با این مسئله روبرو است. جمعیتی که از لحاظ اقتصادی تأثیر مثبت زیادی ندارد، ولی تأثیر منفی آن بیشتر است که این زمینه‌ساز اقتصادی، فرهنگی، بهداشتی و... شده است. نبود کار مناسب، تأمین نبودن خانواده، عدم رفتار مناسب و صحیح بین والدین و کودکان، سوء استفاده و... سببی از کودکان را در خیابان‌ها رها نموده است که به این کودکان، کودکان کار می‌گویند. ونیز بی‌سرپرست ماندن بچه‌ها در اثر فوت والدین یا یکی از آنها، طلاق، اعتیاد و... باعث می‌شود، کودکان از کانون گرم خانواده محروم شده و برای تأمین نیازهای مالی خود، در دوران کودکی وارد اجتماع شده و دستخوش آسیب‌های جبران‌ناپذیر آن شوند. و در پی آن، در اثر تعلیم و تربیت نادرست کودکان، بی‌بند و باری و گرایش انحرافات اجتماعی نظیر دروغ‌گویی، خشونت و لجبازی و کج خلقی و فحاشی باعث بوجود آمدن معضلات اجتماعی می‌شوند و این مطلب را در مقالات و پژوهش‌های انجام شده توسط صفورا داورپناه و همکارانش (۱۳۸۸)، سید حسن حسینی (۱۳۸۴)، بهروز عبدلی و همکارانش (۱۳۹۱)، سیمین کاظمی (۱۳۹۶)، سمانه رحمتی فر (۱۳۹۷)، رضوان گودرزی (۱۳۹۹) و مریم خانکش و همکارانش (۱۳۹۹) می‌توان مورد مطالعه، تجزیه و تحلیل قرار داد.

بنظر می‌رسد که پدیده کودکان کار ناشی از فقر اقتصادی و فرهنگی خانواده است. اما با نگاه ژرف‌تر درمی‌یابیم که شیوع و گسترش این معضل را باید ناشی از فقر و نظام اقتصادی اجتماع و سیاست‌های حاکم بر جامعه دانست. اگرچه آمار دقیق از تعداد این قبیل کودکان در دسترس نیست، اما وجود بیش از صد میلیون کودک خیابانی در جهان ضرورت طرح این مسئله را روشن می‌سازد. در این تحقیق سعی می‌کنیم به بررسی علل و نتایج پیدایش کودکان کار بپردازیم، و با یک دیدگاه و نگرش درست و اصولی در جهت کنترل و رفع این مشکل گام‌های اساسی برداریم.

در بخش‌های بعدی موضوع کودکان کار را از همه ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، روانی و... مورد بررسی قرار می‌دهیم و در واقع مشکل کودکان کار و پیامدهای گسترده‌ای که در سطح جامعه و جهان دارد را از دیدگاه‌های مختلف مورد تحلیل قرار می‌دهیم. و نیز ما سعی می‌کنیم به مسئله سازماندهی کودکان کار بپردازیم، و با الهام گرفتن از ایده‌های موجود در این زمینه پیشنهادهایی برای رفع این معضل اجتماعی مطرح کنیم. امیدواریم این تحقیق بتواند بر دانش و اطلاعات خوانندگان محترم، بیفزاید و دید آنها را نسبت به این آتش فشان خاموش بازتر کند. به منظور کنترل و رفع این معضل، باید مفهوم موضوع را به درستی درک کنیم و به خاطر بسپاریم.

کودکان کار

دوران کودکی در رشد و سلامت کودکان و شکل‌گیری شخصیت آنان از اهمیت فراوانی برخوردار است و توجه به نیازها و حقوق اساسی آنان در این سال‌های حساس، نقش مهمی در پرورش کودکانی توانمند و شایسته برای خود و جامعه‌ای که سازندگان آینده آن هستند، ایفا می‌کند. وجود آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی در هر جامعه‌ای، کودکان را بیشتر از گروه‌های دیگر در معرض خطر قرار می‌دهد و به رشد و سلامت آنان آسیب می‌رساند. در کشور ما نیز، کودکان به دلایل مختلف (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و...)

با آسیب‌ها و مشکلات متعددی روبه‌رو هستند. کودکان کار و خیابان از جمله کودکان در معرض آسیب هستند که عمدتاً به دلایل اقتصادی، بیشترین وقت خود را در محیط‌های ناامن و پرمخاطره خیابان می‌گذرانند. این کودکان، به‌ویژه دختران، بیشتر در معرض خطرات گوناگون قرار می‌گیرند. براساس پژوهش‌های انجام شده در مورد وضعیت این کودکان در کشور ما (صغورا نعیمی حصار و همکارانش (۱۳۹۶)، و مهدی هوشمند و فرزاد فرزانه (۱۴۰۰))، آن‌ها از حقوق اولیه خود مثل آموزش، بهداشت، تغذیه مناسب و... محرومند و در همه زمینه‌های رشد (جسمی، ذهنی، روانی و اجتماعی) با مشکلات فراوانی مواجه هستند و از نارسایی‌های زیادی رنج می‌برند. کودکان کار و خیابان باوجود مشکلات متعددی که آنان را در معرض خطر قرار می‌دهد، از حمایت‌های آموزشی، بهداشتی، روانی و اجتماعی لازم برخوردار نیستند و حتی بسیاری از این بچه‌ها که دور از خانواده یا بدون خانواده یا بدسرپرست می‌باشند، از حمایت‌های خانوادگی نیز محرومند؛ در نتیجه بیشتر دچار مشکلات و آسیب‌ها جدی می‌شوند.

شناخت وضعیت، مشکلات و آسیب‌های این کودکان، گردآوری آمار، اطلاعات و منابع گوناگون در مورد آنان، آشنایی با علل و عوامل ایجاد کننده این آسیب‌ها و افزایش آن‌ها، اولین گام در راه کمک‌رسانی به این کودکان و تلاش برای ایجاد تغییرات لازم در زندگی آنان به‌منظور بهره‌مندی از حقوقشان است. کمبود اطلاعات در ارتباط با کودکان در معرض آسیب به‌طور عام و افزایش تعداد کودکان کار در جامعه امروزی به‌طور خاص ازجمله موانعی می‌باشد که راه برنامه‌ریزی و ساماندهی فعالیت‌های لازم برای رهایی ایشان از شرایط آسیب پذیر را دشوار می‌کند. شکل‌گیری بانک اطلاعات کودکان کار و خیابان می‌تواند در این زمینه، راه‌گشا باشد. کودکان کار و خیابانی مقوله‌ای است که در حال حاضر اکثر کشورها به خصوص کشورهای آسیایی را درگیر کرده است و اینان کودکانی هستند که به دلایل مختلفی چون فقر، طلاق، مهاجرت، شیوه‌های تربیتی خانواده، اختلالات جسمی و روانی و... در خیابان‌ها رها شده‌اند. اصطلاح کودک خیابانی (کودکان کار) برای نخستین بار در سال ۱۸۱۵ به وسیله «مای هو» در انگلیس به کار برده شد و بعد از سال ۱۹۷۹ در آمریکا مصطلح شد و بعدها در کشورهای دیگر هم رواج یافت.

کودک خیابانی (کودکان کار) بر اساس ماده یک پیمان نامه حقوق کودک به افرادی اطلاق می‌شود که زیر ۱۸ سال بوده، در خیابان زندگی و کار می‌کنند، خانواده‌ای ندارند یا امکان دسترسی به خانواده برای آنها وجود ندارد یا خانواده منتظر بازگشت آنان نیست و همچنین کسانی که امکان دسترسی به خانواده برایشان وجود دارد و بازگشت آنها نیز به خانواده امکان پذیر بوده و خانواده نیز منتظر بازگشت آنهاست. به گزارش سازمان جهانی حمایت از کودکان و نوجوانان، نزدیک به ۷۵ درصد کودکان و نوجوانان موجود در خیابان‌ها، ارتباط و پیوندهای خانوادگی خود را حفظ کرده‌اند. مطابق تعریف فوق کودکان کار و خیابانی کودکانی هستند که در ارتباط با خانواده یا بدون ارتباط با خانواده خود در خیابان‌ها به زندگی یا کار مشغول هستند. اینان چه هنوز در ارتباط با خانواده بوده و چه قطع ارتباط کرده باشند؛ از طبیعی‌ترین حقوق خود چون امنیت، مسکن، تغذیه، بهداشت، درمان، تحصیل، تفریح و... بی‌بهره‌اند و مورد آزار جسمی، جنسی و روانی و همچنین سوءاستفاده و استثمار قرار می‌گیرند. بر اساس مطالعه انجام شده توسط شیما فطرس و مرتضی فتحی (۱۳۹۹) دختران عمدتاً در همان ۲۴ ساعت اول خروجشان از خانه مورد سوءاستفاده جنسی قرار می‌گیرند و معمولاً در معرض انواع بیماری‌ها از جمله ایدز، هپاتیت و... قرار خواهند گرفت. در میان بچه‌های خیابانی به نظر می‌رسد تعداد پسران بسیار بیشتر از دختران است. این به آن معنا نیست که دختران از بی‌توجهی در امان هستند؛ اما وضعیت‌شان تا حدی متفاوت است. برخی بسیار زود به روسپی‌گری تن در می‌دهند، عده‌ی پیش از ازدواج بچه‌دار می‌شوند و باید با کوهی از مشکلات عاطفی، مادی و اجتماعی دست و پنجه نرم کنند، عده‌ای دیگر نیز اگر خرید و فروش نشوند، به خدمتکارانی مبدل می‌شوند که غالباً گرفتار بهره‌کشی یا بدرفتاری در جامعه خویش می‌شوند. کودکان کار در یک تقسیم‌بندی کلی به دودسته تقسیم می‌شوند.

۱- کودکان کار؛ این گروه را بیشتر کسانی تشکیل می‌دهند که عوامل خانوادگی و اجتماعی، به خصوص آن بخش از عوامل که به مسائل معیشتی مربوط می‌شود، نظیر فقر خانواده و... باعث شده است آنها به خیابان بیایند و به نوبه خود در تامین بخشی از احتیاجات خانواده که عمدتاً احتیاجات اساسی و اولیه است، والدین خود را یاری کنند.

۲- کودکان خیابان؛ این گروه را بیشتر کسانی تشکیل می دهند که به دلایل متعدد فردی، خانوادگی و اجتماعی که کمتر جنبه معیشتی و بیشتر جنبه عاطفی دارند مثل خشونت، تبعیض و مورد سوءاستفاده جنسی قرار گرفتن توسط خانواده، خانه را ترک گفته و در خیابان سکنی گزیده اند و مجبور به کار کردن هستند.

این گروه از کودکان برای محافظت از خویش گروه های کوچکی را تشکیل می دهند که جای خانواده را برای آنها پر می کنند و در بین آنها نوعی همبستگی و محبت ایجاد می شود و رهبر گروه همیشه فرد قدرتمند و باهوش گروه است که همه افراد گروه، خود را ملزم به تبعیت از او می دانند. آنها همچنین مجبورند برای گذران زندگی خود به راه هایی بیندیشند که به وسیله آنها کسب درآمد کنند. به همین دلیل خیلی زود جذب گروه هایی می شوند که از آنها و از کارشان سوءاستفاده کرده و آنها را استثمار می کنند؛ گروه هایی که در زمینه هایی چون قاچاق مواد مخدر و کالا، قاچاق اعضای بدن انسان، تکدی گری، روسپی گری و... فعالیت می کنند یا جذب شغل های کاذبی چون واکسی، گل فروشی، سیگار فروشی، آدامس فروشی، فروختن فال و ادعیه مذهبی، کشیدن وزن رهگذران و... در سر چهارراه ها یا داخل پایانه های مسافری می شوند. آنها به شدت توسط مردم تحقیر شده و مورد انواع کودک آزاری قرار می گیرند و همین عوامل بستر مناسبی را فراهم می آورد تا حتی کودکانی که جذب گروه های مجرم نشده اند نیز کم کم به انواع جرم و بزهکاری چون دزدی، کیف قاپی، جیب زنی، فروش مواد مخدر، اعتیاد و استفاده از سلاح های سرد روی بیاورند. هر چند در ایران آمار دقیقی از این کودکان در دست نیست اما مستندات نشان می دهند ۸۰ درصد کودکان خیابانی کودکان کار هستند و بیشتر آنها در استان های خراسان، تهران، لرستان و کردستان به سر می برند. در اینجا باید از خود سوال پرسید که چه اتفاقی افتاده است که کودکانی که باید در کلاس درس مشغول تحصیل علم و دانش یا در آغوش گرم خانواده ای مهربان به تفریح و بازی مشغول شوند، در خیابان ها به انواع جرم و بزهکاری روی آورده و بدن نحیف و روح خسته شان زیر تازیانه نگاه های تحقیرآمیز مردم کوچه و خیابان یا دستان پرشقاوت صاحبان بی رحمشان خرد می شود؟ چه تفاوتی بین آنان و دیگر کودکانی که در آغوش حمایتگر خانواده، آسوده در پی بازی و تفریح و تحصیل هستند؛ وجود دارد؟

ریشه یابی معضل «کودکان کار»

در دیدگاه دیگری می توان کودکان کار را می توان در دو گروه جای داد، گروه اول کودکانی هستند که خانواده دارند و به دلیل فقر خانواده و برای امرار معاش به خیابان ها روی می آورند. این کودکان صبح ها از خانه به خیابان می آیند تا با درآمدی ناچیزی که از فروش یک بسته آدامس، چند بسته کبریت، چند ورق فال و... بدست می آورند، کمک خرج خانواده باشند و زمانی که شب فرا می رسد، مجدداً به خانه خود برمی گردند. در اینجا ریشه یابی، معضل کودکان کار چندان کار مشکلی نیست و عاملی که باعث شده تا خانواده ها بچه های کوچکشان را برای کار به خیابان ها بفرستند، فقر اقتصادی خانواده است. و کودکان این خانواده ها هم مجبور هستند در سرمای زمستان و گرمای تابستان سر چهارراه ها و پشت چراغ قرمز ها بایستند، کودکیشان را در ازدحام خیابان ها گم کنند تا شاید لقمه نانی در سفره خانواده شان بگذارند.

گروه دوم از کودکان کار، کودکانی هستند که به دلایلی مانند طلاق، اعتیاد والدین و... مجبور به کار کردن در خیابان ها هستند، این کودکان، خیابان را به عنوان خانه و کاشانه خود بر می گزینند. در این حالت است که باید به فکر آینده آنها بود، وقتی این گروه از کودکان خیابانی بزرگ می شوند، چون عقده های ناشی از بحران محبت و توجه در آنها رشد کرده است و با بی مهری ها و بی تفاوتی های جامعه نسبت به خودشان بزرگ شده اند، این بی مهری ها و عقده های ناشی از آن را در آینده نه چندان دور در قالب انواع جرم و بزهکاری نشان می دهند، یا به فردی شرور تبدیل می شوند و یا به زنان خیابانی که حیثیت انسانی خویش را به ناچیز می فروشند.

بنابراین اگر بخواهیم این معضل اجتماعی را ریشه یابی کنیم باید به عواملی از جمله فشار روز افزون فقر بر خانواده ها، توزیع ناعادلانه ثروت در سطح جامعه، توزیع نابرابر بودجه های فرهنگی و عمرانی بین قشر مختلف جامعه، طبقاتی شدن آموزش و

پرورش که هر روز کودکان را از چرخه رسمی آموزشی و تربیتی دور می کند، سطح فقر فرهنگی خانواده ها، ناآگاهی والدین و گرفتار شدن آنها در دام معضلات اجتماعی از جمله اعتیاد، طلاق و... اشاره کنیم.

رشد احساس مسئولیت برای اقدام بر ضد کار کردن کودکان

در سراسر دنیا مردم با یک وجدان جمعی در حال رشد، برای اقدام بر ضد کار کردن کودکان به جنبشهایی ملحق می شوند. و یک جنبش واقعی بر ضد کار کردن کودکان در سراسر دنیا پدید آمده است. کودکان کارگر نیز صدای خود را از جمله از طریق جنبش های مردمی مانند "رژه جهانی بر ضد کار کودکان" به جهانیان می رسانند. دانش آموزان در این راستا با هم متحد می شوند. ائتلاف های جدید در میان سازمان های کارفرمایان و کارگران، سازمان های دولتی و سازمان های جامعه مدنی در حال شکل گرفتن است. این ائتلاف ها در بخش هایی از چندین صنعت چند ملیتی، مانند صنایع توتون و کاکائو و تولید لوازم ورزشی، دست به اقداماتی زده اند که در آنها نقاط قوتی بوجود آمده است. جای امیدواریست که این اقدامات در سراسر دنیا کارساز باشد. از طریق تکیه بر این اقدامات می توان با کار کردن کودکان مبارزه کرد ولی هنوز هم نیاز به انجام کارها و اقدامات بسیار بیشتری است. ما باید میان همکاری در جهت توسعه بیشتر و تصمیمات ملی و بین المللی که کاهش کار کودکان را هدف قرار می دهد، هماهنگی به وجود آوریم. ما باید بحث ها و تلاش های آگاهی دهنده خود را ادامه دهیم، کار مخاطره آمیز کودکان در بخش ها و موقعیت های مختلف را شناسایی و ترسیم کنیم، توانایی موسسات را برای مقابله با کار کودکان در همه سطوح بالا ببریم و نظام های نظارت کننده و بازرسی مؤثر، مستقل و مطمئنی را بر نقطه ای مستقر سازیم.

مشکل کار کودکان را نمی توان به تنهایی بدون در نظر گرفتن مشکلات مرتبط دیگر حل کرد. طرح ها به تنهایی کافی نیستند، در جاهایی که فقر خانواده ها را متلاشی می کند، باید سیاست های اقتصادی و اجتماعی با یکدیگر تلفیق داده شوند تا به محافظت از ارزش و اعتبار زندگی خانوادگی کمک شود. به عنوان مثال، آموزش رایگان و اجباری تا یک "سن حداقل" برای ورود به اشتغال که بر حسب کشور و طبیعت کار متفاوت است، عنصر مهمی در حذف کار کردن کودکان به شمار می رود. اما با توجه محدودیت بودجه در همه جا، بسیاری از کشورها توانایی لازم برای انجام این کار را ندارند. جامعه بین المللی باید از تلاش کشورهای که می خواهند اقدامات جامعی از طریق برنامه های همکاری توسعه انجام دهند و به بازارها و سیاست های راهنمای سازمان های بین المللی دسترسی یابند، حمایت کند. البته رهانیدن دنیا از شر کار کردن کودکان به تعهد منابع چشمگیری نیاز دارد که به صورت همگانی، جمعی و با حمایت دولت میسر خواهد بود.

حذف کار کودکان نیازمند یک سرمایه گذاری اقتصادی منطقی است.

حذف کار کودکان بخش جدایی ناپذیری از برنامه کار سازمان ILO: این سازمان بین المللی، پس از پایان جنگ جهانی اول و در سال ۱۹۱۹ در مباحث کنفرانس پاریس مطرح و تأسیس شد. منشور سازمان بین المللی کار International Labour Organization در سال ۱۹۴۴ تصویب شده و به بیانیه فیلادلفیا مشهور است. اساس کار ILO اهمیت همکاری بین دولت ها، کارفرمایان و سازمان های کارگری در تقویت پیشرفت های اجتماعی و اقتصادی است. سازمان بین المللی کار با هدف گردآوری دولت ها، کارفرمایان و کارگران برای تعیین استانداردهای کار، تدوین سیاست ها و برنامه ها با برگزاری جلسات اجتماعی از جهت تأمین نیازهای زنان و مردان شاغل اطمینان دارد. سازمان بین المللی کار با ترویج گفتگوی اجتماعی بین اتحادیه های کارگری و کارفرمایان در تدوین و در صورت لزوم اجرای سیاست ملی در زمینه های اجتماعی، اقتصادی و... در درون مؤلفه های خود به تشویق کارفرمایان، کارگران و کشورهای عضو می پردازد. حذف کار کودکان بخش جدایی ناپذیری از برنامه کار سازمان ILO برای دنیای کار است که به "برنامه کار آبرومندانه" اطلاق می شود. هدف از این برنامه ارتقاء فرصت هایی برای همه زنان و مردان برای به دست آوردن کار آبرومندانه تولیدی، در شرایط آزادی، برابری، امنیت و عزت انسانی است. این چار چوب توسعه بر محور ترغیب

سرمایه‌هایی که موقعیت‌های کار تولیدی را ایجاد می‌کنند، با رعایت معیارها و حقوق کار، امنیت اجتماعی، محافظت از سلامتی و برقراری شبکه‌های ایمنی و نمایندگی برای شاغلان به کار متمرکز است. الغای عملی کار کودکان یکی از اصول اصلی برنامه کاری آن است. " ما کار آبرومندانه را ترویج می‌کنیم زیرا وقتی شما نسبت به کیفیت کار پدران و مادران بی‌اعتنا باشید، در را به روی کار کودکان می‌گشاییم. هر کشور می‌تواند با توجه به اوضاع و احوال خود یک آستانه منطقی تعیین کند که هیچ خانواده‌ای نباید پایین‌تر از آن قرار گیرد".

کار آبرومندانه یک ضابطه همگانی نظیر حداقل دستمزد نیست. کنوانسیون‌های ILO که به صورت داوطلبانه توسط هر کشور تصویب می‌شوند، یک تکیه‌گاه منطقی اجتماعی برای زندگی کاری به شمار می‌روند. ما می‌توانیم با توجه اینکه تاکنون پیشرفت زیادی در اندوختن دانایی و تجربه حاصل شده و یک جنبش تاثیرگذار جهانی برای مبارزه با کار کودکان نیز شکل گرفته است، احساس دلگرمی کنیم.

ضرورت ایجاد بانک اطلاعات کودکان کار:

هدف از پیشنهاد ایجاد بانک اطلاعات کودکان کار، کاهش و حذف آسیب‌ها و مشکلات کودکان کار ایرانی و غیر ایرانی، و کاهش و حذف اثرات مخرب در آینده دختران و پسران نوجوانی است که در معرض آسیب جدی ناشی از کار در خیابان‌ها می‌باشند. به همین منظور اهداف زیر دارای اهمیت ویژه‌ای است.

اهداف بانک اطلاعات:

- ۱ - توانمندسازی انفورماتیک سازمان‌های دولتی و غیردولتی در ارتباط با کودکان در معرض آسیب از جمله کودکان کار و خیابان.
- ۲ - کمک به توانمندسازی سازمان‌های دولتی و غیردولتی در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و ساماندهی کودکان کار و خیابان.
- ۳ - کمک به توانمندسازی کودکان کار و خیابان و خانواده‌های آنان با انجام فعالیت‌های آموزشی، پژوهشی و حمایتی.
- ۴ - کمک به تشخیص نیازها، کمبودها و چالش‌ها در ارتباط با کودکان کار و خیابان و تلاش برای کاهش آن‌ها.
- ۵ - کمک به ایجاد هم‌آهنگی بین سازمان‌های دولتی، غیردولتی در انجام فعالیت‌های مرتبط با کودکان کار و خیابان و پرهیز از تکرار و دوباره‌کاری.

مهم‌ترین مشکلات کودکان کار و خیابان

- ۱ - مشکلات اقتصادی
- ۲ - مشکلات خانوادگی (طلاق، بی‌سرپرستی، بدسرپرستی، پرجمعیتی و...)
- ۳ - مشکلات اجتماعی (مهاجرت، اعتیاد، جنگ، نداشتن بیمه و تأمین اجتماعی و...)
- ۴ - مشکلات فرهنگی (تبعیض، خشونت، آزار و ناآگاهی)
- ۵ - مشکلات قانونی (نبود قانون، نارسایی قانون، اجرای قانون)
- ۶ - مشکلات مربوط به رشد و سلامت همه جانبه کودکان (تغذیه، بهداشت، آموزش، اوقات فراغت، مسکن و...)

پیشنهادهایی برای کاهش کار کودکان و کودکان کار

- مهم‌ترین پیشنهادها به این شرح است:
- تأکید بر پیشگیری برای کاهش کار کودکان و سایر آسیب‌های اجتماعی
- فقر زدایی و تأمین رفاه عمومی (توسط دولت)
- ساماندهی درست کودکان خیابانی (شناسایی، حمایت، توانمندسازی)
- برطرف کردن مشکلات قانونی

- تقویت رشد و گسترش سازمان‌های غیردولتی کودکان
- همکاری، هماهنگی و مشارکت سازمان‌های دولتی و غیردولتی مرتبط با کودکان
- تأسیس نهاد ملی حمایت از کودکان
- ایجاد امکانات برای آموزش اجباری، عمومی و رایگان برای همه کودکان با تأکید بر روی کار کردن دختران
- اجرای پیمان نامه‌های بین‌المللی در مورد کودکان با تأکید بر پیمان نامه حقوق کودک، مقابله نامه منع کارهای دشوار برای کودکان

- تأکید بر پژوهش و ایجاد بانک اطلاعات در زمینه آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی

- تأکید بر حمایت همه جانبه از خانواده‌های کودکان کار و خیابان

چگونه می‌توان محیطی حمایتی برای کودکان کار فراهم کرد؟

- بنیان‌گذاری آموزشگاه‌های رایگان و دسترس‌پذیر برای آن‌ها با توجه به اصل آموزش همگانی
- وادار کردن دولت‌ها به ارائه خدمات آموزشی رایگان و ایجاد فضای آموزشگاهی و زیستی برای این کودکان
- سازمان‌های دولتی و غیردولتی باید با برپایی کارگاه‌های آموزشی، کودکان کار را به اصول بنیادین حقوق بشر، کنوانسیون حقوق کودک، مهارت‌ها و ارزش‌های زندگی آگاه سازند تا آن‌ها بتوانند در زندگی به جایگاه شایسته‌تری دست یابند
- دگرگونی در نگرش خانواده‌ها و جامعه به کار کودکان با فعالیت‌های آگاهی‌بخش و ترویجی

پیشنهاد و نتیجه‌گیری:

در مقاله فعلی ما تلاش کردیم تا حد امکان به بررسی شرایط زندگی کودکان کار بپردازیم. در ابتدا پس از تعریف کودکان کار، به عوامل مؤثر در پیدایش این پدیده ناهنجار اجتماعی پرداختیم، این عوامل از منظر محققان اجتماعی به چند دسته از قبیل شرایط اجتماعی نامطلوب، مشکلات اقتصادی، و تأثیرات محیطی و خانوادگی تقسیم می‌شود. در اینجا ما قصد داشتیم به ساده‌ترین شیوه خطراتی که کودکان کار با آن مواجه هستند را به‌عنوان یک معضل اجتماعی مورد بررسی قرار دهیم، به‌طور کلی این خطرات، به دودسته خطرات جسمانی روانی و خطر سوء استفاده جنسی و استثمار تقسیم کردیم. در ادامه بمنظور سازماندهی شرایط کودکان کار، با الهام گرفتن از ایده‌های موجود در این زمینه پیشنهاداتی برای رفع این معضل اجتماعی مطرح کنیم. امید است که این پیشنهاد مورد تایید دولت ایران قرار بگیرد.

منابع و مأخذ

۱. بهروز عبدلی، زهرا عسگری، مریم اکرادی، زهرا رحمتی، زهرا ابراهیم ثانی. مقایسه تبحر حرکتی کودکان کار و کودکان مدرسه ای. مجله رفتار حرکتی. سال ۱۳۹۱. دوره ۴، شماره ۱۰. صفحه ۱۳-۲۶.
۲. شیما فطرس، مرتضی فتاحی. بررسی معضلات ناشی از کار کودکان در ایران. نشریه مطالعات حقوق. سال ۱۳۹۹. شماره ۳۸. صفحه ۱۸۱-۱۹۲.
۳. مریم خانکس، مصطفی امینی رارانی، مهدی نصرت آبادی. تاثیر آموزش مدیریت خشم بر پرخاشگری و اضطراب کودکان کار. مجله کومش. سال ۱۳۹۹. دوره ۲۲. صفحه ۲۵۵-۲۶۲.
۴. رضوان گودرزی. امکان سنجی مطالعه و طراحی مراکز آموزش و نگهداری کودکان کار در بافت آسیب پذیر شیراز. مجله معماری شناسی. سال ۱۳۹۹. دوره ۳. شماره ۱۴.
۵. سمانه رحمتی فر. بررسی وضعیت کودکان کار در حقوق ایران از منظر ماده چهار اعلامیه جهانی حقوق بشر. مجله تحقیقات حقوقی. سال ۱۳۹۷. دوره ۲۱. شماره ۸۲. صفحه ۲۸۳-۳۰۶.
۶. سیمین کاظمی. کودکان کار در جهانی که هنوز نساخته اند. مجله سلامت اجتماعی. سال ۱۳۹۶. دوره ۴. صفحه ۷۸-۸۶.
۷. سید حسن حسینی. وضعیت کودکان کار و خیابان در ایران. مجله رفاه اجتماعی. سال ۱۳۸۴. دوره ۵، شماره ۱۹. صفحه ۱۷۴-۱۵۵.
۸. صفورا داورپناه، حسین راغفر، منیژه نخعی آغمیونی. فقر کودکان کار و بازار کار در ایران. مجله رفاه اجتماعی. سال ۱۳۸۸. دوره ۹، شماره ۳۵. صفحه ۱۳۹-۱۵۹.
۹. نعیمی حصار، صفورا و صادقی، یلدا و زرقی، موسی، ۱۳۹۶، کودکان کار و آسیب های تهدید کننده، کنفرانس ملی پژوهش های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی، کازرون، <https://civilica.com/doc/658891>
۱۰. هوشمند، مهدی و فرزانه، فرزاد، ۱۴۰۰، کودکان کار و تاثیر آن بر اقتصاد جامعه، دومین کنفرانس علوم تربیتی، روانشناسی و علوم انسانی، <https://civilica.com/doc/1266022>.